

سئوالات قضائی

منظور متصدیان این مجله از تخصیص قسمتی از مندرجات آن بسئوالات قضائی و جوابهای آن صرفاً این بوده است که در این قسمت هم از نقائص و تناقض قوانین و معضلات مسائل مهمه قضائی و جریان دادرسی آنها با رعایت ایجاز و اختصار بحث و تدقیق شده راه رفع نقائص و حل مشکلات روشن و نموده شود تا از این طریق نیز اذهان مستعد علاقمندان به اصلاحات دستگاه قضائی مخصوصاً همکاران محترم بهره‌مند گردد.

برای تامین این منظور هر گونه سؤال و جوابیکه رسیده بدون هیچگونه اعمال نظر خاصی درج و منتشر گردیده است ولی گله‌مندیم که در این زمینه تا بحال اهمیت موضوع در سؤال همچنین بیسان آن و جواب آن باختصار (متناسب با حوصله مجله و قارئین فاضل و محترم آن) کمتر رعایت شده است. لذا توجه باین نکات را در آینده امید و انتظار داریم.

۱ - از سعید حجاری دانشجوی دانشکده حقوق

قوانین اساسی شامل اصول و مقرراتی هستند که جز بوسیله قوه موسسه و آنها با رعایت تشریفات مخصوصی قابل تغییر نیستند.

قوانین اساسی بر سایر قوانین و مقررات حاکمیت دارند و قوانین عادی نباید مخالف و یا ناسخ آنها باشند.

در اغلب قوانین اساسی دنیا برای تضمین این اصل مهم ضمانت اجرایی مقرر شده که بموجب آن دادگاهها و هیئتهای صلاحیتدار اختیار عدم اجراء و یا نسخ و نقض قوانینی را که مخالف قانون اساسی باشند دارا میباشند.

در قانون اساسی ایران و متمم آن راجع باین امر مهم چیزی مقرر نشده است.

میخواهیم بدانیم آیا قوه مقننه ما (مجلسین) میتوانند به هیئت صلاحیتداری اختیار بدهند (بهر نحویکه باشد) که قوانین عادی را با قانون اساسی و متمم آن تطبیق نموده و در صورت مخالفت و تضاد نسخ آنرا اعلام نماید. ؟
یا اینکه این حق حتماً باید بوسیله قوه مؤسسه یعنی مجلس موسسان اعطاء شود. ؟

۲ - از محمد حسن آصف وزیری باز پرس شعبه ۴ دادورای کردستان

۱ - آیا ماده ۱۷۵ مکرر قانون کیفر عمومی در مورد ایراد ضرب و احاله آن بماده ۱۷۳ با وجود عدم ذکر گذشت مدعی خصوصی و عدم قید در ماده ۲۷۷ قابل گذشت میباشد یا خیر - ؟
۲ - در ماده اصلاحی ۲۷۵ قانون کیفر عمومی برای مرتکبین دایر کردن قهوه خانه یا محل استعمال تریاک ذکر موضوع نشده حال اینکه در ماده چهار همان قانون اشخاصی را که قبول خدمت یا شرکت در اماکن مزبوره نمایند معاون مجرم شناخته این عدم ذکر اشتباه قلمی و چاپی است یا اصولاً مورد نظر واقع نگشته در این صورت اشخاصیکه محلی را برای استعمال تریاک مهیا مینمایند مجرمند یا خیر و ماده استنادی چیست ؟

۳ - از محمد حسین نغمینه « اهراز »

سابقاً رویه قضائی این بود که اگر بازرگانی که مشمول ماده ۴۱۲ قانون تجارت بوده عمل بمواد ۴۱۳ و ۴۱۴ قانون مزبور نمیکرد و بستانکار مطابق حق مندرج در قسمت ب از ماده ۴۱۵ دادخواست توقف علیه بازرگان مدیون میداد دادگاه حکم توقف بازرگان را صادر و قرار توقیف او را باستناد ماده ۴۳۵ قانون مزبور صادر و مطابق ماده ۴۱۷ همان قانون حکم و قرار موقتاً اجرا میکردید .

ولی اخیراً دادگاههای شهرستان اهواز این رویه را ترك و در مقابل دادخواست توقف خواننده را با وقت عادی احضار و سپس رسیدگی بقضیه مینمایند که بنظر حقیر این رویه بعلاوة اینکه باعث تضییع حق خواهان و اتلاف اموال و اوقات میگردد - در صورتیکه خواننده متوازی یا فراری باشد با احضار او بوسیله آگهی در جراید و غیره نظریه قانونگذار که تسریع در عمل و حفظ حقوق اشخاص است تا این نشده موجب تضییع حق میگردد .

و نیز ماده ۴۳۵ قانون تجارت مدت توقیف تاجر ورشکسته را تعیین نکرده و حال آنکه طبق اصول کلی در قرار های توقیف باید مدت توقیف تعیین گردد .

۴ - از ابوالقاسم قدسی وکیل درجه ۳ دادگستری

۱ - در حق شفعه آیا دادگاه مشتری را محکوم به تمليك و تسليم مبيع به شفیع در مقابل بهاء مبيع می نماید و یا آنکه دادگاه شفیع و مشتری را محکوم میکند چه آنکه ممکن است که پس از مدتی مدید صرف وقت و صدور داد نامه قطعی مبنی بر محکومیت مشتری به تمليك مبيع در حق شفیع بعداً شفیع از مفاد دادنامه استفاده نکرده و نتیجه خساراتی متوجه مشتری شده و فرض هم در این است که مشتری طوعاً و رغبتاً حاضر است که مبيع را در مقابل بهاء بشفیع تسليم نماید .

۲ - در مطالبه اجرت المثل اراضی مزروعی آیا مالک مخیر است بین آنکه اجرت المثل زمین خود را وجه نقد مطالبه کند و یا از جنس همان محصولی که زارع استفاده نموده است و یا اصولاً حق مطالبه جنس و محصول را بنام اجرت المثل ندارد .

۳ - در دعوی تولیت که در صلاحیت دادگاه شهرستان است اگر ضمناً دعوی تخلیه شود که در صلاحیت دادگاه بخش است و فرض اینست که وقفیت مفروغ عنه است آیا دادگاه شهرستان میتواند بدعوی غیر مالی تخلیه

هم رسیدگی کند و یا آنکه پس از اثبات تولیت متولی باید بدادگاه بخش ارجاع نماید و یا آنکه دادگاه دعوی تولیت را اگر ثابت دانست ضمانت اجرائی این دادنامه عبارت از تخلیه مورد دعوی تولیت است و لو آنکه در ضمن دادخواست استدعای امر به تخلیه می شود .

۴ - در دعاوی افزاز آیا دادگاه پس از صدور حکم قطعی افزایش می تواند سهمی خواهان افزاز را تخلیه نموده و تصرف خواهان بدهد و یا آنکه تخلیه محتاج بدادن دادخواست مجدد است .

۵ - شخصی دو عدل قماش که نوعاً مختلف است بکاراژی داده که بمحلی حمل گردد اتفاقاً دو عدل قماش که بمیزان چهل من تبریز وزن داشته است مورد دستبرد متصدی کاراژ واقع شده صاحت قماش اقامه دعوی کرده دادگاه بنام اینکه خواسته خواهان مجهول است دعوی را رد نموده است و اظهار داشته که چون بیان نوع جنس و میزان متر آن نشده دعوی غیرقابل استماع است آیا اگر خواهان دعوی اظهار بکند که طبق بارنامه وزن قماش اینجانب چهل من بوده و قدر متیقن در کرباس است و لذا از دادگاه خواهشمند است امر برد قدر متیقن را صادر فرمایند دادگاه تکلیف چیست .

۶ - مستند دعوی عبارت از مبلغی است که در صلاحیت دادگاه شهرستان است ولی مدیون مستند فوت نموده و وراث او متعدد است بنحویکه بدهی هر يك از وراث کما فرض الله در نصاب دادگاه بخش میباشد آیا دارنده مستند می تواند بدادگاه شهرستان علیه تمام وراث اقامه دعوی کند و یا آنکه باید بدادگاه بخش مراجعه نموده و علیه هر يك از آنان دادخواست جداگانه تقدیم دارد .

۷ - آیا حق وا خواهی و پژوهشی و برای واخواه و پژوهش خواه از حقوقیست که قابل اعلام باسقاط است یا نه تا نتیجه اگر محکوم علیه غیابی . در ذیل حکم غیابی نوشت از حق واخواهی خود صرف نظر نموده و بامحکوم علیه حضوری در ذیل دادنامه نوشت حق پژوهشی خود را اسقاط کردم دیگر حق تقدیم دادخواست و وا خواهی و پژوهشی را نداشته باشد یا آنکه مسقط حق واخواهی و پژوهشی فقط و فقط منحصر بانقض مدت قانونی است .

۸ - از تلفیق مادتين ۱۵۱/ و ۱۷۰ قانون آئين دادرسی مدنی ممکن است استفاده نموده که احکام صادره از دادگاه بخش در صورتیکه مدعی علیه در جلسات حضور داشته و دفاع لازم را می نموده ولی در جلسه صدور دادنامه حاضر نبوده است دادنامه صادره حضوری است و یا آنکه در دادگاه بخش ملاک غیابی و حضوری بودن دادنامه منحصر بحضور و یا غیاب خواننده دعوی در جلسه صدور دادنامه است و بعلاوه در مواردیکه دادگاه شهرستان بطور اختصاصی رسیدگی مینماید آیا ملاک غیابی و حضوری دادنامه حضور و یا غیاب خواننده دعوی در جلسه صدور حکم است و یا آنکه از مادتين مزبور تین مستفاد میشود که همینکه مدعی علیه در جلسه از جلسات حضور پیدا نمود و دفاع لازم را می کرد و نیز در جلسه صدور دادنامه حضور پیدا نکند دادنامه صادره حضوری است .